



کار گروهی

می‌داند از انجام خیلی از کارها به صورت گروهی نتیجه بهتری می‌گیرد
بر کار گروهی وظیفه هر فرد مشخص می‌تواند

نامل و همکاری باعث نتیجه بهتری می‌تواند.

به این ترتیب کار مورچه‌ها به صورت گروهی شروع شد. هر مورچه به موقع سرکار حاضر می‌شد و وظایف هر مورچه از قبل مشخص شده بود. مورچه‌ها از صبح تا آخر روز می‌آمدند و با شور و اشتیاق سرکار خود می‌تافتند. آنها همیشه با دقت و حوصله کارهایشان را انجام می‌دادند. وقت استراحت که می‌شد با هم غذای می‌خوردند و کمی صحبت می‌کردند. یکی از مورچه‌ها بیشتر وقت‌ها خاطرات باغچه تزیین می‌کرد و گل‌ها می‌خودیدند و همگی بعد از زمان استراحت دوباره مشغول کار می‌شدند. همیشه به یکدیگر احترام می‌گذاشتند و اگر مشکلی پیش می‌آمد همگی برای حل آن مشکل تلاش می‌کردند و هرگز با هم بحث و جدل نمی‌کردند. هدف گروهی که همان پختن کیک‌های خوشمزه بود. برای همه مشخص بود. آنها می‌دانستند که کار کردن مفیدتر است و از کاری که می‌کردند لذت می‌بردند.



با مناسبت آگاهی از آلودگی هوا

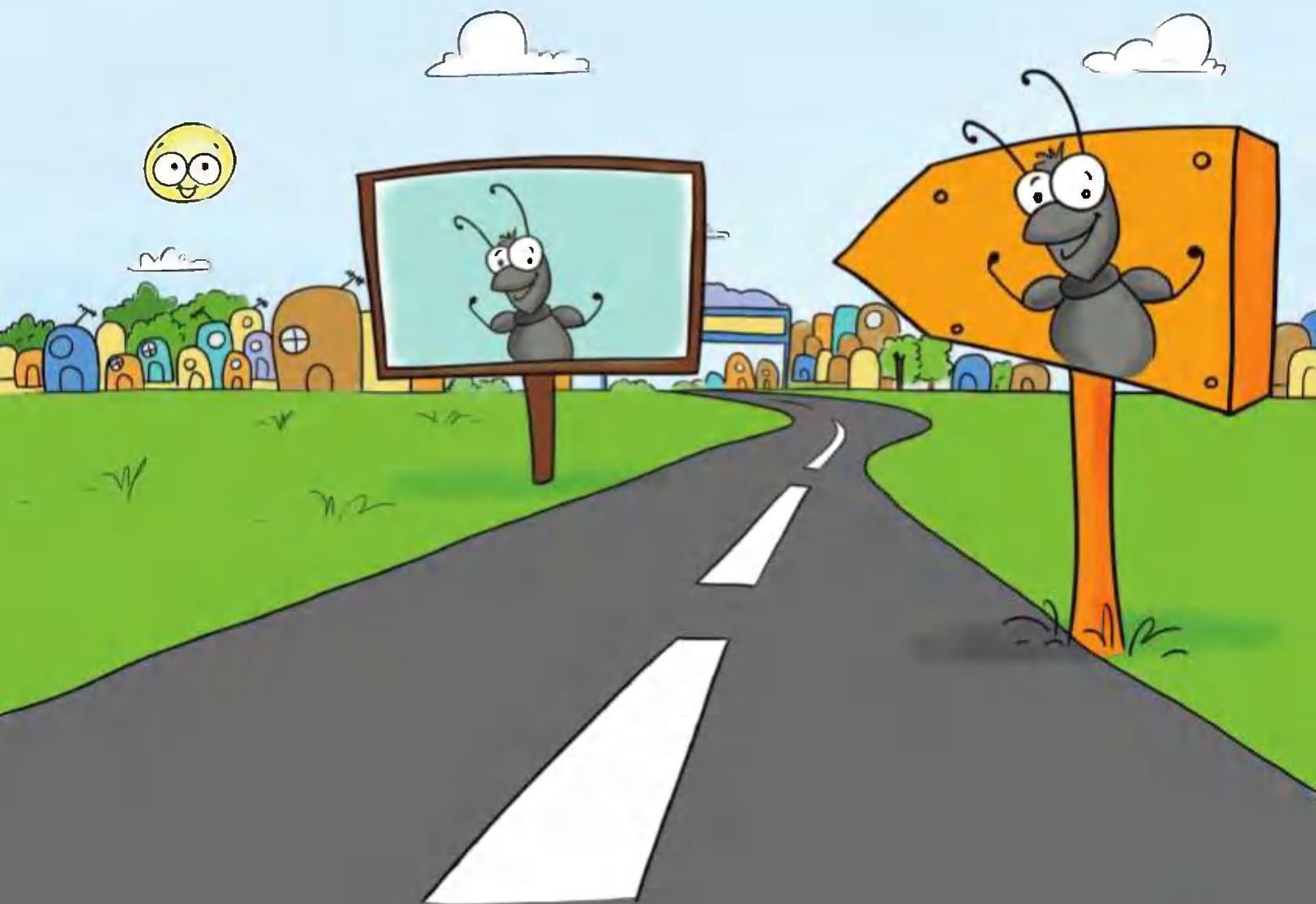
در صورت نیاز از آن استفاده می کنند.

زمان استفاده و نوع استفاده از آن را می شناسند.

تأیید کتاب برای ارتقاء یا تغییر محصول به کمک افرادی غیر از افراد گروه نیاز داشته باشند برای پیدا کردن این افراد می توانید آگاهی بدهید. کتاب خود را امتحان کنید.

فصلت چند نمونه از آلودگی هایی را که در مسیر می بینید یا در منزل می شناسید به مدرسه بیاورید.

کار آنتی مورچه بیشتر از کلکته درجی گرفته بود آنها یک تیم بسیار قوی بودند که هر کس وظایف خود را به خوبی می دانست و با مشق و صفا در کنار هم کار و تلاش می کردند تا این که یکی از مورچه های همکار بسیار تند و مجبور بود یک هفته در خانه بماند کار بدون او پیش نمی رفت و به خوبی انجام نمی شد آنتی مورچه ندانستند و از نجاتی که در دست کفلی برای پیدا کردن همکار در بین دوستان و آشنایانش نداشتند. تصمیم گرفته آگاهی بدهد روی چندین کاغذ مشخصات مورچه مورد نظر را نوشت و روی سنگها و تخته هایی که بر سر راه مورچه ها بود قرار داد. طولی نکشید که دو مورچه با مشخصات مورد نظر برای استخدام آمدند یکی از آنها برای این کار خیلی کوچک بود و مورچه دوم استخدام شد البته بعد از یک هفته مورچه کارمند به کارش برگشت: اما از آن جایی که کار مورچه جدید بسیار خوب بود مورچه جدید هم به تیم آنتی مورچه اضافه شد و به همکاری ادامه داد.



مثالی به وجود آمدن بانک‌ها را می‌ناند.
با خدمات بانک‌ها آشنا می‌شود.

بانک برای نگهداری پول، جایی پول و انجام فعالیت‌های پولی، مرکز مناسب و قابل اطمینان است.

Bank



بانک

انتخابات فربس یا مدیر مدرسه می‌تواند یک بانک ایجاد کند: پول‌های بچه‌ها را نگهداری کند یا به آنها قرض دهد یا پول‌های خرج شده را با عملکرد و مسئولیت همکاران در راه مناسب به‌کار گیرد.

31

